

دانلود نمونه سوالات قواعد فقه 2

[برای دانلود جزوه اینجا کلیک کنید](#)

قاعده حرمت اعانت بر اثم: یعنی حرام بودن کمک بر انجام گناه. در قوانین موضوعه: معاونت در جرم می گویند. در فقه همان است که در بالا گفته شد.

مفهوم حرمت: یعنی انجام یا نهی شارع. شارع چیزی را نهی کرده ما آن را انجام بدهیم و آن عقاب دارد آنهم اخروی.

اعانت: کمک. معنی اصطلاحی 3: تعریف دارد -1 انصاری: انجام دادن مقدمات حرام + سوء نیت را

گویند = حرمت اعانت بر اثم -2 نایینی: مطلق هر کاری چه مقدمات و غیر مقدمات را اعانت گویند. مثل عصا دادن به ظالم -3 عده ی فقهای معاصر: مطلق مساعدت اعم از کمک جانی و مالی

ومادی و معنوی، تحریک ترغیب و غیره را اعانت گویند.

تعریف شیخ یعنی اولی را که مهم هست می گوید اگر من انگور را فروختم به یک شراب ساز اما او سوء نیت نداشت اینجا حرام نیست و عقاب و اثم ندارد. و در جایی دیگری می گوید اگر انگور را فروختی و شراب ساز هم سوء نیت داشت و فرد در راه تصادف کرد اینجا حرام است.

فعل عدمی: ترک فعل را گویند -2 فعل وجودی: انجام فعل را گویند/شیخ می گوید اعانت: فعل

وجودی است نه عدمی حالا سوال اینجاست: که اگر کسی از دیواری به بالا رفت و شما نگاه کردی اینجا اعانت نیست یا در قتل رساندن کسی و شما نگاه کنی اینجا اعانت نیست مفهوم اثم: به معنای ذنب = گناه در فقه می گوئیم حرمت اعانت بر اثم. در قوانین موضوعی می گوئیم

معاونت در جرم. در فقه بحث ذنب است و در حقوق موضوعه جرم است. آیا اینها باهم فرق دارند؟ ما بررسی می کنیم ذنب = 35 بار در قرآن آمده جرم = 3 بار در قرآن آمده. اما جرم در قرآن به معنای وادار کردن است.

جرم در قانون موضوعه: ماده 167 ق.م. ماده 2 ق.م.

هر رفتاری در قانون ملاک مجازات است. اما جرم تعریفی دیگری در قانون اسلامی دارد. جرم یعنی انجام نهی شارع در جایی گفته مثلا لا تشرب الخمر و شما خورده اید. یک جایی هم گفته انجام بده: اقم الصلاه و شما انجام نداده اید. جرم در قانون اسلامی قرابت نزدیکی به ذنب دارد و اصلا همان است.

حالا نسب اربعه: دروغ و غیبت در مجازات اسلامی هست ولی در قوانین موضوعه نیست. در بعضی قوانین موضوعه هم چیزهایی هست که در قوانین اسلامی نیست. مثل مجازات جرایم رایانه ای در بعضی جاها هم مساوی هستند. مثل، زنا، قتل، و.....

سپس باید: دو قاعده را باهم جمع کنیم و قدر مشترک بگیریم و نقاط اشتراک بگیریم یعنی هم اثم اند و هم ذنب و هم جرم و بزه و این طور بین قوانین موضوعه و اسلامی نقطه مشترک می گیریم.

جرم سه رکن دارد: مادی، معنوی، قانونی (شرعی) بر اساس رکن مادی جرم، جرم یا از ناحیه یک نفر است یعنی هم مباشر و فاعل است. و گاهی جمعی

است در اینجا یا همگی مباشرند یا چند نفر هستند بعضی از آنها مقدمات را فراهم و بعضی مباشرند اینها که مقدمات را فراهم می کنند آنها را معاون گویند و مباشر را فاعل یا معال است.

محل نگاه در این دومی است. منابع فقهی قاعده -1: قرآن و کتاب -2 سنت -3 عقل قرآن: تعاونوا علی البر و التقوی و لا تعاونوا علی الاثم و العدوان از این آیه استفاده شده اما اشکال این

قاعده را بعضی گفته اند: گفته اند این به درد اثبات قاعده نمی خورد. گفته اند بخش اول قرینه برای بخش دوم است و بخش اول دلالت بر استحباب یعنی مستحب است و بخش دوم نهایت آن دلالت بر اکراه می کند.

و "...و لا تعاونوا...": نهی تنزیهی است و نه نهی تحریمی و کراهت دارد. دلایل اشکال این است و آن را رد می کنیم. -1 اولاً قرینه بودن آنها محل اشکال است و ما آن را نمی پذیریم. -2 و مهمترین دلیل این است که عدوان را با اثم آورده و قید عدوان اصل اولیه بر حرام بوده عدوان است نه بر کراهت.

سنت: پیامبر: اگر کسی به اندازه یک نمونه سوالات قواعد فقه 2 در قتل کسی معاونت کند روز قیامت خداوند بر پیشانی او می نویسد از رحمت الهی به دور است.

اشکال وارد شده این است. گفته اند ما معاونت را قبول داریم ولی حکم کلی نداده و فقط معاونت در قتل است نه جرایم دیگر. ما باید سراغ دلیل علت برویم. دلیل روایت: 1- منصوص العله - 2- غیر منصوص العله ما باید به روایتها رجوع کنیم در بعضی روایتها دلیل آمده مانند مسکر بودن در شراب و در آیه ای

آمده فقیه آن مسکر بودن را در می آورد و می گذارد روی چیزهای دیگر و مثلا ارتباط می دهد یا ملاک قرار می دهد. و منصوص العله دلیل ملاک است و آنرا کشف می کنیم یکی از آنها منصوص العله معاونت در قتل است. و آن معاونت است و آن را روی جرایم دیگر قرار می دهیم.

قاعده عقل: می گوید: صغری قیاس: هر عمل قبیحی حرام است کبری قیاس می گوید: کمک کردن به جرم عمل قبیحی است. نتیجه: کمک کردن به هر قبیحی حرام است.

منابع شرعی (ادله اربعه) از دیدگاه اهل تشیع و تسنن:

سؤال: اساسا بعد از غیبت امام زمان که به آن دسترسی نداریم احکام شرعی خود را چگونه بدست می آوریم؟ دودیدگاه تشیع وجود دارد- 1- نظریه انسداد باب علم؛ گروهی از فقها معتقدند: ما دچار انسداد